



## اعلامیه جبهه مردم افغانستان «جما»

بمناسبت هشتم مارچ روز همبستگی زنان !

زنان و نقش آنها در جامعه دردمند و اسیر در چنگال هیولای بنام طالب !

بدون شرکت زنان هیچ جنبش و انقلابی به پیروزی نخواهد رسید. "و.ا.ل"

مردم و جامعه مردسالار در اکثر نقاط جهان تحت تسلط سه سیستم و نیروهای اهریمنی قرار دارند. قدرت سیاسی، قدرت قبیله ای و قدرت مذهبی، اما زنان در افغانستان زیر چهار سلطه سیستم قدرت اهریمنی هستند؛ یعنی سیستم و قدرت سیاسی حاکم بر جامعه، سیستم و مناسبات فرتوت قبیله ای، سیستم و درجه نفوذ دین در جامعه، سیستم و مناسبات اقتصادی در حیطه فامیل (شوهر برادر، پدر، خسرو...) این چهار سیستم و نیروی اهریمنی در جامعه ما مانند، چهار زنجیر یا میخ است که بر دست، پای و فرق زنان شجاع افغانستان انداخته و کوبیده شده است؛ که در مجموع معرف چهره واقعی نظام و جامعه اشغال شده افغانستان می باشد. نا گفته نباید گذاشت که کارگران، دهقانان و توده های زحمتکش نیز از این غل و زنجیر استبداد میرا نبوده است.

بدین لحاظ اگرما مسئله زنان کشور خود را کاملا همان مسائلی بدانیم که برای زنان کشورهای پیشرفته غرب و حتی بسیاری از کشورهای جهان سوم مطرح است، یاوه گویی ای خواهد بود که در بهترین حالت پاره ای کمی از واقعیت های زنان جامعه ما را بیان خواهد داشت. البته مسئله زنان در تمام کشورها حتی کشورهای سوسیالیستی وجود دارد اما باز هم مسئله زنان آنها مانند سایر مسائل انقلاب آن کشورها، با مسئله زنان و انقلاب افغانستان تفاوت های فراوان و بارزی داشته، در سطح معینی مطرح می باشد و نباید هر دو را با هم یکی گرفت.

زنان ما به اندازه عقب افتادگی وحشتناک اقتصادی و اجتماعی کشور ما، زیر ضد انسانی ترین ستمها بسر می برند. ما باید به مسئله زنان کشور خویش برخورد مشخص داشته باشیم تا بتوانیم در جهت راه حل آنها هم گامهای موثر برداریم.

نقش زنان در بر افکندن قدرت سیاسی، از آنجا که نفوس آنها تقریباً نصف نفوس جامعه را تشکیل می دهد قابل تأمل و محاسبه است، بعلاوه از فاکتور نفوس، از جهات دیگر نیز نقش زنان در جنگ رهایی بخش و سایر جنگ ها از اهمیت خاصی برخوردار است.

زنان افغانستان در طول تاریخ تحت سلطه ظلم و ستم مضاعف مجذور از جوانب حاکمان و رژیم های فاسد و مستبد تحمیلی و وارداتی، سیستم و مناسبات فرتوت فنودالی و قبیله ای، فرهنگ مسلط گور اندیش دینی در طول چهار ده سده و عقب ماندگی مناسبات خانوادگی که ناشی از حاکمیت های قبیله ای و رژیم های فاسد در درازنای زمان قرار داشته و تا هم اکنون موجود بوده است. این چهار سیستم اهریمنی در ارتباط زنجیره ای با هم قرار دارند، و یکی متمم دیگر خود هستند. رمز و راز استمرار و بقای این رژیم های مزدور و مفسد در همین ارتباط زنجیره ای شان نهفته است.

بنابراین؛ زنان افغان برای بدست آوردن حقوق انسانی خود نباید، فراموش کنند که، تنها به جنگ و جدل روزمرگی در داخل فامیل نمی توانند حقوق خود را بدست بیاورند، و نباید فریب وعده های چرب و گرم مقامات و سیستم های امپریالیستی را تحت نام حقوق



زن و حقوق بشر بخورند. برای بدست آوردن آزادی کامل و رهایی از بند این چهار زنجیر اسارت باید مصمم، منسجم و آگاهانه عمل کنند. وقتی میگوییم که آگاهانه عمل کنند، منظور ما این نیست که فحاشی، مسافه و عربده جوی کنند و خود را آلت دست و بازیچه اعمال شوم دیگران سازند. در بدل اندک هدیه، رشوه و وعده های سرخرمن، خود را لاج نمایند، و در نهایت مجبور به پرداخت باج به باجگیرهای حرفوی شوند و تا پای عمر ندامت بکشند و اسیردام بمانند. هدف ما از مصمم، منسجم و آگاهانه کاملاً مشخص است. مصمم به معنی با عزم، پراستقامت، قاطع استوار و پایدار به امر مبارزه بر ضد ظلم و استبداد سلطه ظلم و ستم مضاعف مجذور؛ منسجم به معنی انسجام یافته، ساختاریافته، پیوسته، سیستماتیک، مدون، نظام مند، یکپارچه و هماهنگ؛ آگاهانه به معنی خودآگاهی با توجه به تعبیر کلی آن (شناخت انسان از کل هویت او) شامل شناخت انسان از ویژگیها، تفاوتها و شباهت های انسان با دیگران و شناخت عوامل مؤثر بر آن (شناخت خود، دیگران و حقوق متقابل. مزایا و معایب: همه چیز خواهی) است.

خودآگاهی یعنی آگاهی و هوشیاری بر خود. یعنی اینکه خود را با جزئیات هر چه بیشتر بشناسیم و بر خود آگاه شویم. خودآگاهی اولین مهارت هوش هیجانی و اساس رسیدن به کنترل رفتار است. با رسیدن به خودآگاهی ما به درک شفاف و صحیحی از شخصیت خود، نقاط ضعف، نقاط قوت، افکار، باورها، انگیزهها، هیجانات و سبک ارتباطی خود می‌رسیم. بسیاری از مردم می‌گویند و فکر می‌کنند که خود را می‌شناسند اما زمانی که قدم در راه آگاهی بر خود می‌گذارند متوجه می‌شوند که اصلاً خود را نمی‌شناسند و جالبتر اینکه هر چه پیش می‌روند بیشتر پی به عدم شناخت از خود می‌برند. رسیدن به آگاهی سیاسی و تفکر انسانی چیزی نیست که در چند روز، هفته و یا یکی دو ماه کسب شود. برای رسیدن به آگاهی سیاسی و درک مسائل اجتماعی نیاز به مطالعه، آموختن از تجارب گذشته و تطبیق خلاقانه آن در عمل ضروری پنداشته میشود.

زنان آگاه افغانستان در طول تاریخ خدمات ارزنده را انجام داده اند، بالاخص در پنج دهه گذشته دوشادوش مردان در نبردهای رهایی بخش و جنگ های تحمیلی رول بسیار مهم داشتند، به گونه مثال، در زمان حاکمیت رژیم کودتای ثور 1357 با وجود اینکه زنان تحت ظلم و استبداد و فشار های چندین جانبه بودند؛ زنان افغان در اخفاء اسناد مهم، در اخفاء مبارزین، در تأمین رابطه ها، در پیام رسانی بین جبهات، در سرپرستی فامیل ها و اعاشه و اباته آنها، در تداوی زخمی ها و دهه ها عمل دیگر، رول ارزنده و فعال داشتند.

در سگ جنگی های تنظیمی جمهوری اسلامی و جنگ های داخلی آنها باز هم این زنان بودند که بار این جنگهای تحمیلی در بالای شان هایشان سنگینی میکرد. بطور مثال در کابل؛ راکت پرانی های که اکثراً باعث کشتار، زخمی، معلولیت و معیوبیت اعضای فامیل میشد و سرپناه های شان را به ویرانه ها و مخروبه های وحشتناکی میدل نموده بود، در بعضی نقاط این سادیست های تنظیمی به عفت و ناموس مردم نیز بشکل گروهی و انفرادی تجاوز نمودند. با انهم زنان شجاع و قهرمان افغان دست از مقاومت نکشیده و برای بقاء اولاد های یتیم، معلول و معیوب خود با جرات و شجاعت مانند یک شیر زن برای تهیه لقمه نانی ده ها کیلومتر را پای پیاده می پیمودند تا یک سیر آرد، یک بشکه روغن، و سایر نیازمندی ها مواد اولیه خود را از چهاراسیاب، میدان شهر، تنگی لندر و سایر نقاط با گذشت از صد ها موانع، پوسته ها، زنجیرها، توطئه و کمین سپاهیان الله بطور مخفی برای نفقه فامیل خود تهیه می نمودند، این کار بدون قربانی، ساده و آسان نبود، شدت توهین، تحقیر، بی حرمتی طاقت فرسای آن را تنها زنانی می دانند و درک میکنند که در عمل تجربه نموده اند.

در دور اول رژیم طالبان نیز این بار های کمرشکن و استبداد جنسیتی از بالای شان های این زنان شجاع کم نشد؛ بلکه بر شدت آن افزوده شد. پاداش طالبان برای زنان افغان توهین، تحقیر، شکنجه، سنگسار، شلاق زدن در محضر عام، قصاص و...



و بر علاوه آنان تاکید نموده اند که ، زنان باید بدون محرم شرعی از منزل بیرون نه روند ، زنان باید حجاب اسلامی را مراعات نمایند ، زنان حق کار کردن در ادارات و موسسات را ندارند، زنان حق انتخاب شوهر و پوشش لباس را ندارند ، برای زنان القاب ناقص العقل ، سیاه سر ، عورت ، سپین سر و و را دادند .

در رژیم جمهوریت قلابی تحمیلی ساخت استراتژیست های آمریکایی در " بن " تحت نام دموکراسی؟! آزادی بیان!؟، دفاع از حقوق بشر!؟ ، حقوق زنان!؟ ، به اصطلاح تکنوکرات ها و دموکرات های دیسانتی دامهای فریبنده ی را فرا راهی زنان افغان گسترده . تا با اغفال ذهنیت های جامعه جهانی تحت نام شعارهای فریبنده و با روی صحنه نگهداشتن زنان و بانوان جوان دسترسی به پروژه های کلان پیدا کنند و از جانب دیگر سعی و تلاش شان برای راضی نگهداشتن و تامین خواسته های نامشروع بادران شان بود که باید برآورده ساخته میشد .

طوری که دیده می شود رژیم های مفسد و مزدور منس بجای پاداش و ارج گذاری از این همه فداکارهای و رشادت های زنان، آنها را نادیده گرفته ناقص العقل ، سیاه سر ، عورت ، سپین سر و.. ، خطاب نموده ، و از تعدادی محدودی آنها بصفت پرستوها های خوش خط و خال در پروژه های استعماری برای مقاصد خاص استفاده نموده و آنها را برای جهانیان نماد از زنان شجاع و قهرمان افغانستان معرفی نمودند . زنان و بانوان جوان را بجای اینکه زمینه تحصیل و فراگیری علوم و فناوری های عصر جدید را برایشان مساعد سازند و مطابق استعداد و توانایی هایشان به کارهای اجتماعی ، اقتصادی ، و سیاسی بگمارند ، برعکس ترغیب و تشویق بطرف فرهنگ و آزادی های بی بندوبار و مبتذل غربی تحت نام دفاع از دموکراسی ، حقوق زن و حقوق بشر نموده ، که باعث هتک حرمت و خدشه دار شدن هویت و جنسیت زنان افغان در سطح ملی و بین المللی شده اند . با معتاد سازی شان به دالر های باد آورده امریکا و ناتو عده زیادی را تحت نام هنرمند، تجارت پیشه ، رقص ، قاچاقبر ، مافیای مواد مخدر ، دلال و کمیشن کار .. ساختند . و تعدادی را در بست های فرمایشی و اختصاصی در ادارات و موسسات دولتی گماردند ، تا عنداللزوم در محافل و شب نشینی های شان پایکوبی و رامشگری نمایند و محافل شان را گرم نگه دارند . چنانچه شبانه مهریار خود گفته است که برای گرم کردن یک شب محفل در ارگ ده هزار دالر بدست میاورد . ( اسناد آن در یوتیوب موجود است )

تعداد کثیری از بانوان جوان و نوبالغ را در حلقه مافیایی ارگ زیر نام "پروژه پروموت " که از جانب رولا غنی و زهره یوسف مدیریت میشد و بودجه آن از جانب امریکایی ها پرداخت می شد جمع نموده بودند .

(پروژه پروموت ( promote ) ظاهراً یک برنامه پنج ساله بود . که از سال 2014 میلادی از سوی اداره توسعه بین المللی آمریکا (USAID) برای توانمندسازی و ارتقای ظرفیت زنان افغانستان با هزینه 280 میلیون دالر، راه اندازی شده بود . در ظاهر امر هدف از این پروژه توانمندسازی زنان در عرصه رهبری، مدیریت، اقتصاد و تجارت و آموزش و پرورش و بهبود وضعیت زندگی حدود ۷۵ هزار زن در افغانستان ؛ از طریق کاریابی و زمینه سازی برای اشتغال آنها در دولت و نهادهای خصوصی بود.

اداره بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) در سال ۱۳۹۷ که سه سال از عمر این پروژه گذشته بود، گزارش داد که این پروژه ناکام بوده است و پول مالیه دهندگان آمریکا، حیف و میل شده است. این پروژه تحت نظارت دفتر بانوی اول افغانستان اجرا می شد و پس از نشر گزارش ها در مورد ناکامی آن، بسیاری از شهروندان افغانستان انگشت انتقاد خود را به سمت دفتر رولا غنی بلند کردند. شهروندان افغانستان از مصرف بی رویه پول های این پروژه تحت دفتر بانوی اول و به اهداف نامشخص، انتقاد کردند و این دفتر را متهم به فساد چندین میلیون دالر پول این پروژه کردند.



از دید ما بعکس گزارش "سیگار" این پروژه در تطبیق اهداف شوم و نهانی اشغالگران آمریکایی تا حدود زیاد موفق بوده و با این دام گسترده ها توانستند تعداد از زنان و بانوان جوان ما را به دام و تله خود به اندازند. بطور نمونه یک نگاهی به این ارقام و اهداف کنید تا معلوم شود که این پست فطرتان در حق زنان و دختران افغان چی جفا و خیانت که نکردند (75) هزار دختران نو بالغ و نوجوان را در زیر چتر پروموت تحت نظر دلان چون بی بی گل ( رولا غنی ) ، زهره یوسف ، فضلی ، محب و داود سلطان زویی که حین رابطه جنسی در آگوست سال 2020 روز دهم محرم در بلاک عمر گلستان مکرویان سوم توسط مردم بازداشت شد. داود سلطان زوی از تفاله ها و کارمندان اسبق رژیم کودتای هفت ثور است که گفته می شود یکی از طیاره دزدان مشهور افغانستان است. او در دوران جمهوریت قلبی به پاس ارائه خدمات دلالی و ناموس فروشی و سرویس دهی به مشاورین خارجی و اراکین ارگ بمقام شاروال کابل گماشته شد. و انبوهی از خیانت ، دزدی و فساد دگر در این زمان ضم دوسیه این دزد اوباش شد بشمول تخریب سینمای پارک .

افشاگری از ویدا ساغری در مورد فساد اخلاقی مریم سما یک ماچ بده، تمام امکانات را در اختیار می گذارم. یعنی در بدل یک ماچ یا بوسه تمام امکانات را در اختیار قرار می دهیم. دختران جوان و خوش صورتی که باید بفکر سهم گیری فعال و مثبت در پروسه تولید ، مسایل سیاسی ، اجتماعی ، تعلیم و تربیه ، تشکیل خانواده و تربیت نسل آینده باشند، در خدمت مردان دلال بی حیای حکومتی قرار گرفته و بصفت برده جنسی ارگ نشینان و قوماندان ها و جنرالان نیروهای اشغالگر می شدند .

«پروموت یعنی استخدام دختران از سن 14 ساله الی 22 ساله برای ترویج فحشا توسط بی بی گل»

هرچند از زمان تشکیل حکومت آمریکایی در افغانستان، تلاش ها بر این بوده است تا دختران پاکدامن این سرزمین را از خانه ها به بیرون کشانده و به دامان هوس بازان جنسی بیندازند، اما این نقشه آنان با درایت بسیاری از روشنفکران و کارکنان اجتماعی در مقاطع مختلف نقش بر آب گردیده است ولی متاسفانه این طرح پلید آمریکایی از روزنه های دیگری وارد خانه های مردم گردید و دختران و زنان با حیای خانواده ها را به بهانه های مختلفی از جمله زندگی در سایه دموکراسی و رفتن بسوی ترقی و روشنفکری ، جهانی شدن مود و فیشن ، فریب داده وارد ارگان های دولتی و موسسات خصوصی گردانیدند. با ایجاد زمینه های ورود زنان پاکدامن این سرزمین به ادارت دولتی و موسسات خصوصی، نحوه استخدام و بکار گرفتن اکثر آنان منوط به ارضای هوای نفسانی روسا و مدیران و کارمندان ادارات و موسسات گردید و اینگونه جامعه شریف و با حیای ما پا به دنیای فساد و فحشا گذاشت و کنترل کانون گرم خانواده را بر آنان کمرنگ کرد و آنان را تطمیع دالر های آمریکایی نموده و فساد را در سطح ادارات و موسسات همگانی ساخت. این روند را شعبده باز مشهور بنام حامد کرزی با درایت خاص خودش و نقشه های از پیش تعیین شده آمریکایی به پیش برد تا جایی که علاوه بر ترویج فساد در ادارات و موسسات، حتی پای دختران هموطن ما را به پایگاه های آمریکایی باز نموده و زنان این سرزمین را به عنوان تحفه به پایگاه های خارجی ها فرستاد. در دوره غنی با تخصیص بودجه های میلیونی دفتر یهودی زنی بنام بی بی گل (بانوی اول) این روند سرعت بیشتری بخود گرفت و استخدام و بکارگیری دختران جوان زیر دست مردان هوسباز (اکثرا) از غرب بازگشته شدت یافت تا آنجا که مشاور پیشین اشرف غنی خودش به جوش آمده و موضوع سکس در خدمت چوکی و قدرت را در ارگ برملا ساخت و طی مصاحبه های تلویزیونی رسماً این سیاست را به باد انتقاد گرفت.



به گزارش شبکه اطلاع رسانی افغانستان (afghanpaper) حبیب‌الله احمدزی مشاور پیشین امنیت ویژه رییس‌جمهور می‌گوید که درباره رشوه‌گیری جنسی و ترویج فحشا در ارگ ریاست‌جمهوری اسناد دارد و حاضر است این سندها را همگانی سازد. احمدزی، در گفتگو با رسانه‌ها ادعا کرد در ارگ ریاست‌جمهوری کسانی هستند که از زنان در بدل مقرر آنان در پست‌ها رشوه‌جنسی می‌گیرند. جنرال حبیب‌الله احمدزی، مجدداً تاکید نمود که حلقه‌ای مشخصی در ارگ فحشا را ترویج می‌کند و او از این گفته‌هایش یک متر هم عقب‌نشینی نمی‌کند و بالای ادعای خود شک ندارد و اگر تحقیقات در این مورد آغاز شود، او مدارک و اسناد خود را در اختیار هیات تحقیق قرار خواهد داد. (به گفته خودش)

مریم وردک؛ مشاور پیشین شورای امنیت ملی و کارشناس امنیتی هم این موضوع را تایید کرده‌است. او در مصاحبه با یک رسانه هندی گفته‌است که حرف‌های آقای احمدزی واقعیت دارد و در ارگ در بدل سکس برای بانوان جوان چوکی داده می‌شد. بلی؛ از نمونه‌های ترویج فاحشه‌گری تن‌فروشی در ارگانه‌های و نهادهای نظامی، ملکی اردو، پولیس، شورا و پارلمان، دوایر دولتی و موسسات نام‌نهاد خیریه، دستگاه‌های پروپاگاندا و بلندگوهای تصویری، موسسات تحصیلی، دانشگاه‌ها و ورزشگاه‌ها و.. بطور خلاصه: بازار سکس از حجره تعویذ نویسی ملا رسول لندی تا دهلیزهای تنگ و تاریک ارگ ریاست‌جمهوری ادامه داشت. در ابتدا احمدزی مشاور ریاست‌جمهوری این موضوع را افشا کرد و بعداً مریم وردک مرچ و مساله‌اش را زیاده‌تر کرد و گفت که بسیاری از پست‌های حکومتی در قبال سکس به زنان داده می‌شد. بطور نمونه، جگر جنرال‌ها، زازی‌ها، ماری‌ها، مریم‌ها، کوفی‌ها، آریانا‌ها، شبانه‌ها، عزیزی‌ها و.. مصداق این پدیده شوم و ننگین است.

این فرهنگ مبتذل در نهاد‌های کمیته ملی المپیک، سکتور خصوصی، موسسات تعلیمی و دانشگاه‌ها نیز بکثرت دیده شده‌است. حتی در اطلاعیه‌های استخدام انجوه‌های و موسسات داخلی و خارجی اثار و علایم آن مشهود است که دختران بین 18 تا 24 سال را در اولویت استخدام‌شان قرار می‌دادند.

قانون «سکس در بدل چوکی» تنها خاص ارگ نبوده است، بلکه در ادارات رده‌پایین و در سطح ولایات نیز همین آش است و همین کاسه. ما شخصاً بانوانی را می‌شناسم که توانایی نوشتن یک جمله را بدون اغلاط املائی نداشتند. اما به راحتی از پروسه امتحان موفق برآمده و در کرسی‌های مهم در وزارت‌های و دوایر دولتی لمیده بودند. قانون سکس برای گرفتن پروژه‌ها به یک حربه و ابزار بسیار اثربخش، تاثیرگذار و سودبخش را نمیتوان نادیده گرفت. تعداد به اصطلاح انجوه‌های زنانه با گذشت هر روز بیشتر و بیشتر میشد و از برکت سرویس‌های سکس بازار این انجوها بسیار گرم و پر رونق شده بود.

همانطور که فساد اداری افغانستان را در صدر کشورهای فاسد جهان قرار داد موازی با آن در تمام ادارات دولتی فساد اخلاقی مروج بوده و هست. دروزارت داخله، دروزارت دفاع، خارجه، مالیه، معارف، تحصیلات عالی، تجارت، زراعت، محاکم عدلی و قضایی. و.. در سراسر دولت فساد حکمروایی داشته است.

با این‌حال در سال‌های پسین تعدادی از نهاد‌های حامی زنان از حضور نسبتاً خوب زنان در ادارات دولتی ابراز خرسندی و امیدواری کرده‌اند. اما واقعیت این است که بانوانی که نه به اساس لیاقت و شایسته‌سالاری بلکه به اساس قانون «سکس در بدل چوکی» در بدنه دولت حضور می‌یافتند، جزء ایفای نقش سمبولیک هیچ کار دیگری از پیش برده نمی‌توانستند. حضور چنین بانوانی در ساختار نظام مایه خوش‌حالی نه بلکه بیشتر مایه تاسف و سرافکندگی است.



اما قشر حقیقی زنان افغان را زنانی که در بیرون از شهرهای بزرگ و در دهات و قریه جات زندگی میکنند و اکثریت جامعه زنان افغان را تشکیل میدهند را نباید فراموش کرد. علاوه بر زنان شهری، زنانی که در دهات زندگی می کنند، بچشم دید شخص خودم به مراتب مصروف کاری های شاقه فیزیکی نسبت به زنان که در شهر ها زندگی می کنند هستند، بته آوردن از کوه، چوب شکستادن، امور طویله حیوانات، پختن غذا، تنور نان، لباسشویی، صبح وقت بیدار شدن آبگرم گردن برای وضو مرد ها، کمک در امور کشت و کار، و از همه بدتر بصفت ماشین چوچه کشی آقایان باید همه ساله آماده تولید نسل باشد، در بعضی مواقعی به بدل دادن بخاطر جرم ناکرده؛ قربانی جرم و جنایت مردان خود می شوند، حتی در بعضی از جغرافیای ما مانند حیوان در بازار به فروش می رسند، از حق تعلیم، از حق رفتن به خانه اقارب و خویشاوندان، از حق تصمیم گیری در مورد تقسیم کار ها، از حق تصمیم گیری در مورد صحت و سلامت خویش و از حق تصمیم گیری در کوچکترین امور و مسائل مربوط به خودش، در بعضی مناطق کاملاً و در بعضی مناطق قسماً محروم هستند.

اما وضعیت زنان شهری هم میانه بهتری از آنها ندارد. به استثنای چند چهره مضحک و عروسک های شب خیمه بازی که در پست های دولتی به طوری سمبولیک و در نهادهای به اصطلاح مدنی بنام دفاع از حقوق زنان و اطفال، معاش بگیر «آن جی او» های وابسته به جهان سرمایه و سازمان های استخباراتی آنها که مدام از عقب بلندگوهای امپریالیستی بنام حقوق زنان گلو پاره می کنند، اینها عروسک های سرخاب و سفیداب شده ای بیش نیستند، اینها برای پخش فرهنگ ابتذال تحت نام دموکراسی و حقوق بشر استخدام شده اند و در خط خدمت به اشغالگران آمریکایی و مدافعین دروغین دموکراسی و حقوق بشر کار می کنند، وظیفه اینها جز ترویج فرهنگ فحشا و به ابتذال کشیدن جامعه و قشر بانوان جوان جامعه چیزی دیگری نیست. از ابتدای دهل و سرناي بنام دموکراسی توسط اشغالگران آمریکایی و حامیانشان تحت نام دموکراسی و حقوق بشر زده شد تا کنون هزار ها معضل و مشکلات خانوادگی و فامیلی در سطح شهر ها و بالاخص در کابل با جمعیت بیشتر از شش میلیون آن افزوده شده است. هزاران فامیل از برکت این دموکراسی قلابی در آتش خصومت ورزی بین هم دست به قتل و قتل زده و هزاران دوسیه های دعوی حقوقی زنان مبنی بر خشونت خانگی و طلاق از اثر تحریکات بی جا و بمورد؛ به اصطلاح این فعالین حقوق بشر و زنان، در مفسد ترین دستگاه قضایی دنیا در گردش و دوران، به نفع و سود سارنوال، قاضی و اما در تحمیق و مسخره کردن زنان، مزین میز ها و الماری های دفاتر این شیدان تاریخ است، که برای مسنولان، سارنوالان و قضات مانند یک فابریکه چاپ بانک نوت و منبعی برای تامین خواهشات جنسی بوده است.

زنان در شهر های بزرگ و بالاخص در کابل تحت انواع ستم و ظلم قرار دارند، خشونت های خانگی، چالش های امنیتی، چالش های تحصیلی، فقر گسترده، بیکاری، آزار و اذیت خیابانی، آلوده بودن دستگاه های دولتی به فساد اخلاقی، رسم و رواج های مزخرف و مصارف گزاف عروسی، تسلط اندیشه مردسالاری و دین باوری مفرط در مورد حجاب و عفاف زنان باعث شده است. که زنان کمتر توجه به آموزش و مسائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی نمایند. و جبراً مانند شمع در تاریکی چهار دیوار خانه ها که بیشتر شباهت به زندان های انفرادی دارد؛ تا پای عمر بسوزند و بسازند. تعداد زیادی از زنان ناگزیر گاهی با صبر و شکیبایی تحمل سلب حقوق شان را، گاهی توام با خشونت و طغیان ملو از رنج و درد ها استخوان سوز بکشند و در چهاردیواری خانه ها محبوس و بازیچه هوسرانی مردان شوند.

بر علاوه، زنان که در طول بیشتر از چهار دهه عزیزان خود را از دست داده اند، شوهر، برادر، پدر، پسر... و سرپرستی فامیل و ایتم بدوش شان از بابت سیاست های ناسالم حکام فاسد و مزدور منش و مداخلات اشغالگران و تحمیل جنگ های خاتمانسوز، جبراً بالای شان تحمیل شده است. افزون بر آن از اثر تولید و عرضه مواد مخدر و نشه آور که جز از پروژه های استعماری



آمریکا بوده است، صد ها هزار جوان ما به معتادان و مریضان خانه بدوش میدل شده اند، که فشار بیشتری را بر شانه های فامیل ها و به ویژه زنان افغان روز تا روز افزوده است. ده ها هزار طفل واجد شرایط مکتب رو و آماده تحصیل و فراگیری دانش و فناوری، برای کمک به مادر بیوه خود از صبح تا شام مصروف جمع آوری برگها و خاشاک از زباله دان ها ، اسپند چی، موتورشوی، تکدی ، سگرت فروشی و تعداد هم در خدمت باند های تبهکاران استخدام شده است. سطح گراف بلند جرایم جنایی در کشور مؤید این ادعا است.

زنان در این برهه از زمان بیشتر قربانی سیاست های اشغالگران آمریکایی و ایادی داخلی آن ارگ نشینان و سپیدار نشینان شده اند، و یک بار دیگر این غولهای وحشی ضد بشریت طی امضای یک قولنامه ننگین در دوحه قطر بطور هدفمند و برنامه ریزی شده هستی و هویت مبارزاتی زنان شجاع افغان را در گرو منفور ترین قشر یعنی طالبان وحشی گذاردند.

بیشتر از چهار سال میشود که طالبان با وقاحت تام در تمام عرصه های زندگی خصوصی و اجتماعی زنان مداخله نموده و تمام عرصه های زندگی اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی، تعلیمی و آزادی های فردی و جمعی آنها را تحت کنترل شدید قرار داده است . این سیاست قرون اوسطانی طالبان اثرات بسیار بد بالای زنان ( به ویژه قشر جوان ) که نیم از پیکر جامعه ما را تشکیل میدهند ، نموده است . ما روزانه شاهد دره زدن ها ، سنگسار ها ، زیر دیوار کردن ها و ده ها نوع شکنجه های صحرایی دیگر زنان در ملا عام هستیم . ترویج فحشای انترنیتی یکی دیگری از پدیده های بسیار خطرناک میباشد ، که در این برهه زمانی به کثرت دیده میشود و با گذشت هرروز بران افزوده شده و میشود . با تاسف تعداد بانوان که از اثر قیودات بیش از حد و حصر که برایشان وضع شده بناچار به طرف این پدیده شوم رو آوردند ، زندانی نمودن بانوان در چهاردیواری خانه ها بعلاوه مشکلات اقتصادی ، سلب آزادیهای فردی آنها از جمله دلایل ترویج این پدیده شوم می باشد، دوستان که در بیرون از کشور زندگی میکنند شاید از طریق مسنجر ، واتساپ ، و... روزانه متوجه پیام ها و درخواست های این چینی بوده باشند . تقاضای کمک مالی در مقابل عریان سازی بدن ، نمایش اندام و انجام هر نوع حرکات و ... بطور آنلاین و زنده .

یکی دیگری از این پدیده های شوم طالبانی چند زنی و تعدد زوجات می باشد ، این پدیده از جانب طالبان به یک امر کاملاً عادی میدل شده است . هر آن زن یا دختری را که آنها بخواهند در تصاحب خود درآورند ، بدون در نظر داشت هر نوع مخالفت و مواعنی شرعی ، اجتماعی ، سنتی ، عرف و عنعنات ملی و... با تکیه بر زور تفنگ و تهدید به مرگ طرف مقابل آن را در تصاحب خود در میاورند . همه ما از طریق مدیا و رسانه ها روزانه شاهد این گونه واقعیات هستیم .

لواط جز فرهنگ طالبانی بوده و هست ، اکثر طلبه ها در دوره های آموزشی در داخل حوزه ها آموزشی ، مدارس و مساجد مورد تجاوز قرار گرفته و می گیرند و این فرهنگ در بین شان بطور اساسی نهادینه شده است . و فعلاً مانند تعدد زوجات بازار این لوطی گیرها نیز گرمتر شده است . تعداد کثیر نوجوانان که تا هنوز ریش و بروت نکشیدن در مرز تهدید قرار دارند . اکثر فامیل ها از این بابت دچار ترس و اضطراب هستند .

## زنان شجاع و دلیر افغان!

اگر می خواهید که از زیر یوغ ستم رهایی یابید، یک بار به نیرو و توانایی های خود مکت کنید شما نیم پیکر جامعه را تشکیل می دهید، شما از هر مرد افغان بیشتر درد و رنج کشیده اید، برای رهایی از قفس تنگ و تاریک ظلمت باید دوشادوش جوانان و آگاهان به پا خیزید ، و خط مبارزاتی تان را از روسپی های دوره گرد و دلالان به اصطلاح حقوق زن جدا سازید . آمریکا اشغال گر و حکومت دست نشانده آن مسبب اصلی این دردها و رنج ها بر شما و فرزندان شما شده است. پس در نخست باید در مقابل آمریکا و ایادی داخلی آن به مبارزه برخیزید، وقتی که شما نظام را طبق اراده و آرای عام مردم شکل دهید ؛ سه سیستم قدرت بعدی



( قدرت قبیله ای، قدرت مذهبی و قدرت مرد سالاری یا شوهر سالاری) دیگر تاب مقاومت را ندارند. در این صورت شما به رویاهایتان نزدیک تر می‌شوید؛ رویا های انسانی- آزادی، عدالت اجتماعی و تساوی حقوق زن و مرد، حق کار، حق تحصیل، حق انتخاب همسر...

با توجه به واقعیت های عینی جامعه ما و عمل کرد پرستو های خوش خال و خط، این مدعیان کذایی حقوق زن که اکثرا در غرب لمیده اند و مشوقین و ترویج دهندگان فحشا و فرهنگ مبتذل وارداتی غرب هستند؛ که اسم های تعدادشان مشت نمونه خروار در فوق تذکر داده شده به صراحت گفته می‌توانیم که اینها در مقابل پول و شهرت طلبی از فامیل، شوهر، اطفال، برادر، پدر، عفت و عصمت و شرف خود گذشته اند. ادعای مبارزه برای بدست آوردن حقوق زنان یک ترفند شیطنی و یک فریب کامل اینها می‌باشد. اینها نه تنها قابل اعتماد و اطمینان نیستند؛ بلکه دشمنان واقعی حقوق زنان و دلالان حرفوی عفت و عزت زنان هستند، که باید هویت شان برای همگان افشا شود.

**بدون اشتراک فعال شما زنان افغان و قهرمانان واقعی که در تحت سلطه طالبان همه روز زیر تازیانه و شلاق**

**این هیولاهای وحشی درد و رنج می‌برید؛ در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،  
افغانستان در چندین دهه دیگر نیز توان قد بلند کردن را نخواهید داشت.**

**زنان افغان و توده های زحمتکش مردم افغانستان جز لاینفک هم اند، درد مشترک، آرمان مشترک دارند.  
پس برای مداوای این درد بزرگ باید متحدانه و آگاهانه عمل صورت گیرد.**

**اتحاد و همبستگی زنان سر تا سر افغانستان باعث تحکیم، وحدت و اتحاد مردم و توده های محروم در کل  
خواهد شد.**

**با حرمت بر تمام زنان قهرمان و شجاع افغانستان.**

کمیته فرهنگی جبهه مردم افغانستان «جما»

هفتم /مارچ / 2026 مطابق 16/حوت / 1404